

The Effect of Post -Language on Alteration of Post-Humanistic Linguistic and Cultural Structures

Farrokh Latifnezhad Roodsari¹, Saeed Jahanpoolad²

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 26 May 2023

Accepted: 16 August 2023

Keywords:

Iranian Ta'arof,
speech act,
Iranian social communication,
Persian,
non-Persian speakers.

ABSTRACT

Industrial man is trying to expand his view of the world by entering the digital age and being aware of the damage of the humanistic attitude, and in this way, he needs to change his language. Pennycook (2016) presented a new definition of the concept of language, which is influenced by the post-humanist attitude and phenomenological roots and cognitive issues, especially embodiment. In this view, language is not the only intersubjective communication tool specific to humans, but humans interact with other humans, animals, plants, and objects with the involvement of all five senses, and all of them have an effect on her understanding and perception. The current study, which is done with the aim of changing language as a change of attitude in a descriptive-analytical way, seeks to answer these two basic questions: What changes has post-language made in Saussure's concept of language and what effect do these changes have on social and cultural structures. The results are based on the fact that post-linguistics in post-humanist applied linguistics offers a new definition of language that is not based on the intersubjective relationship of persons and relying on standard language like Saussure's linguistics. Rather, it is trying to establish a linguistic connection between humans and objects and non-humans in a way that leads to a deeper understanding and interaction and a kind of connection between all the creatures of the earth in order to compensate for the environmental damage caused by the humanist capitalist industrial age and to establish justice between human, linguistic and non-human species.

Cite this article: Latifnezhad Roodsari, F. & Jahanpoolad, S. (2023). "The Effect of Post -Language on Alteration of Post-Humanistic Linguistic and Cultural Structures". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 201-223.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/jls.2023.137485.1031

1. Ph.D. in Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author) E-mail: farre.latif@yahoo.com
2. M.A. in Comparative Language and Literature, Bilig University, Istanbul, Turkey. E-mail: frz1frz@gmail.com

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

نظریه و کاربرد

سال اول، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۲۳-۲۰۱

تأثیر پسازبان در تغییر ساختارهای زبانی و فرهنگی دوره پست‌اومانیسم

فرخ لطیف‌نژاد رودسری^۱، سعید جهانپولاد^۲

چکیده

اطلاعات مقاله

انسان صنعتی سعی دارد با ورود به عصر دیجیتال و آگاهی از خسارت‌های نگرش اومانیستی نگاه خود را نسبت به جهان گسترش دهد و در این راه نیاز به تغییر زبان دارد. آلستر پنی کوک در کتاب *زبان‌شناسی کاربردی پسانسان‌گرا* (۲۰۱۶) تعریف تازه‌ای از مفهوم زبان ارائه داده است که در ایران تازگی دارد و متأثر از نگرش پسااومانیستی و ریشه‌های پدیدارشناسانه و مباحث شناختی به‌ویژه بدن‌مندی است. در این نگاه، زبان تنها ابزار ارتباطی بین‌ذهنی و خاص انسان نیست، بلکه انسان با دخالت تمام حواس پنجگانه در تعامل با انسانهای دیگر و حیوان و گیاه و اشیا به سر می‌برد و همه آن‌ها در درک و دریافت و شناخت او اثر می‌گذارند. پژوهش حاضر که با هدف تغییر زبان به‌منزله تغییر نگرش به روشی توصیفی-تحلیلی انجام شده در پی پاسخ به این دو پرسش اساسی است که پسازبان چه تغییری در مفهوم سوسوری زبان ایجاد کرده است و این تغییرات چه تأثیری بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دارد. نتایج حاصله مبتنی بر آن است که پسازبان در زیان‌شناسی کاربردی پسانسان‌گرا، تعریف جدیدی از زبان ارائه می‌دهد که مانند زبان‌شناسی سوسور مبتنی بر رابطه بین‌الذاتی اشخاص و آن‌کا به زبان معیار نیست، بلکه سعی دارد ارتباط زبانی بین انسان و اشیا و غیرانسان را به گونه‌ای برقرار کند که منجر به درک و تعامل عمیق‌تر و نوعی هم‌پیوندی بین همه موجودات کره زمین شود تا از این راه به جبران خسارت‌های زیست‌محیطی ناشی از عصر صنعتی سرمایه‌داری اومانیستی و برقراری عدالت بین گونه‌های انسانی، زبانی و غیرانسانی بپردازد.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۵ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۵ مرداد ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

پسازبان،
پنی کوک،
زبان‌شناسی کاربردی،
پسانسان‌گرا،
درون‌کنشی،
هم‌پیوندی،
درهم‌تنیدگی.

استناد: لطیف‌نژاد رودسری، فرخ و سعید جهانپولاد (۱۴۰۲). «تأثیر پسازبان در تغییر ساختارهای زبانی و فرهنگی دوره پست‌اومانیسم». *پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد*، ۱ (۲)، ۲۰۱-۲۲۳.



حق مؤلف: نویسندگان

ناشر: دانشگاه کردستان

DOI: 10.22034/jls.2023.137485.1031

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

merajizahra5@gmail.com

۱. مقدمه

مفهوم پسازبان نخستین بار توسط آلستر پنی کوک در پژوهشی با عنوان *زبان‌شناسی کاربردی پسازبان‌گرا* (۲۰۱۵) مطرح شد. پسازبان که ریشه در مطالعات پسانسان‌گرایانه، پسااستعماری و پدیدارشناسی دارد، به دنبال مفهوم تازه‌ای از زبان است که بتواند آسیب‌های صنعتی و زیست‌محیطی انسان عصر مدرن را در دوران آنتروپوسن^۱ اجبران کند؛ دورانی که فعالیت‌های انسان در آن باعث شده تا توانایی کره زمین برای نظم‌بخشی به خود مختل شود و زمین در معرض خطر جدی قرار گیرد. فلاسفه و جامعه‌شناسان نظر به اهمیت معضل بحران زمین، در پی تغییر نگرش و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی انسان نسبت به محیط برآمدند و رویکرد پسانسان‌گرایی^۲ شکل گرفت و به تبع آن زبان‌شناسی وارد دوره جدیدی به نام پسازبان^۳ شد که نوعی ارتباط درون‌کنشی^۴ انسان، عوامل غیر انسانی و گونه‌های متنوع را در خرده‌فرهنگ‌ها و خرده‌زبان‌های بومی به دنبال دارد و پیامد آن ترویج مفاهیمی چون عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز با انسان و طبیعت در شعر و ادبیات شده است. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر که به روشی توصیفی-تحلیلی تکیه دارد، جست‌وجوی امکانات زبانی جدید در پسازبان و تأثیر آن بر فرهنگ و اجتماع است که در زبان‌شناسی و ادبیات بی‌سابقه است.

با توجه به مقدمات فوق پرسش‌های مبنایی پژوهش حاضر این است که:

۱. پسازبان چه تغییری در مفهوم سوسوری زبان ایجاد کرده است؟

۲. تغییر مفهوم زبان در پسازبان چه تأثیری بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دارد؟

پاسخ‌های احتمالی به سؤالات فوق از این قرار است:

۱. پسازبان مفهوم بینادهنی زبان را به مفهوم بیناگونه‌ای تغییر داده است.

۲. تغییر مفهوم زبان باعث تغییر نگرش مردم و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر انسان‌ها و سایر

موجودات و تمایل به برقراری عدالت اجتماعی می‌شود.

بدیهی است پاسخ به پرسش‌های فوق باب جدیدی در زبان‌شناسی کاربردی و شعر و ادبیات

خواهد گشود.

1 anthropocene

2 posthumanism

3 post_language/postlanguage

4praxeology

۲. پیشینه پژوهش

اصطلاح پسازبان برای نخستین بار توسط مارک والاس در شعر آمریکا به کار رفت. این گروه از شاعران معتقدند طی تجربه انفرادی در وضعیتی جدید با رفتار مدنی و دموکراتیک به زیست فرهنگی دست می‌یابند. والاس طی مصاحبه‌ای با جهانپولاد (۲۰۲۱) مواضع شعر پسازبان را در تقابل با شعر زبان مطرح کرده است. مفهوم زبان‌شناسی آن پسازبان، نخستین بار توسط پنی کوک در *زبان‌شناسی کاربردی پسانسان‌گرا* (۲۰۱۶) مطرح شد، گرچه مطالعات شعاعی او در این باره از سال ۲۰۰۴ با مفاهیمی چون Repertoires (مجموعه‌ها)، Performativity، (اجراگری زبانی)، assemblage (کلاژ سه‌بعدی) translanguaging (ترازبانگی یا ترکیب زبان‌های مختلف) آغاز شده و دستیارش او تسوجی نیز در برخی از آثار با او همکاری داشته است.

شایان ذکر است که «پسازبان» در ایران فقط به‌طور اجمالی در چند مقاله مطبوعاتی جهانپولاد با عناوین «ورود به عصر تازه، شعرهای پسازبانی و هایپر تکست‌های ایرانی» (۱۴۰۰/۶/۱۷) و «گفتگو درباره شعر پسازبان پسااومانستی و مبانی نظری» (۱۴۰۰/۵/۹) و «ورود به عصر تازه، شعرهای پسازبانی و هایپر تکست‌های ایرانی» (۱۴۰۰/۶/۱۷) و «محدودیت زبان من، محدودیت جهان من است» (۱۴۰۲/۳/۱۰) و مجموعه شعرهای پسازبانی وی به همراه دو مقاله مرتبط در کتاب *هم‌موایی* (۲۰۲۱) مطرح شده است. همچنین فرخ لطیف‌نژاد رودسری در چند مقاله مطبوعاتی با عناوین «نقش پست‌اومانیسیم در شکل‌گیری شعر پسازبان و تغییر نقش انسان در طبیعت» (۱۴۰۰/۱۱/۱۵)، «نقش تنوع زبانی در حفظ هویت فرهنگی» (۱۴۰۱/۸/۷) و «چرا زبان در پسازبان بازتعریف می‌شود» (۱۴۰۲/۳/۲۳)، ابعاد مختلف پسازبان را از بعد نظری و زبان‌شناسی تشریح و تبیین کرده است.

۳. گسترش مفهوم زبان در پسازبان

زبان در سیاره‌ای که تنها به فعالیت‌های انسانی محدود نمی‌شود، می‌تواند نقشی کنش‌گرانه و فعال‌تر داشته باشد، زیرا اشیا، حیوانات، گیاهان و ماده بخش قابل توجهی از فعالیت‌های زیستی انسان را به خود اختصاص داده‌اند و بازی آزاد نیروهای فعالی هستند که نقش و کنش پویایی زیستی سیاره و درهم‌تنیدگی مجموعه‌ها را در چندفضایی ایفا می‌کنند. برای نمونه پنی کوک

دریافت که اکوسیستم دریا ابزارهای نشانه‌شناختی متعددی در امکانات چندفضایی دارد که برای جهت‌یابی کشتی به کار می‌رود و هریک از این امکانات بر نحوه ترسیم و تصور کاربران بر زمینه و پیشینه فرهنگی خود اثر می‌گذارند و برای معنابخشیدن به گفتمان‌ها و رویکردهای اجتماعی و گروهی محیط پیرامون و دنیایشان به طرز شبکه‌ای با هم در ارتباطند. (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۴۹).

همچنین، مجموعه‌های فضایی و توزیع شده را می‌توان در اماکن تفریحی و توریستی بررسی کرد که در آن افراد مختلف با زبان‌ها و گویش‌های گوناگون سخن می‌گویند و از همدیگر چیزهایی می‌آموزند (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۵۲). طیف وسیعی از منابع نشانه‌شناختی در داخل و خارج این اماکن شلوغ، توزیع شده که دال بر مواجهه متقابل انسان و محیط پیرامون اوست، مانند مهمان‌ها و کارمندان رستوران، وسایل ارتباط جمعی، ظروف و غذاها. در این زبان غیرکلامی معناسازی به صورت چندوجهی دخالت دارد. یافته‌های مذکور نشان می‌دهد که زبان عملاً با عناصر مکانی، زمانی و فضایی فراتر از آنچه انسان در ذهن دارد، درهم‌تنیده است و با آن‌ها ارتباط درگیرانه دارد (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۵۶-۱۵۷). این مشاهدات پنی کوک به عنوان یک غواص زبان‌شناس درک تازه‌تر و وسیع‌تری از پسازبان و پسانسان به وی داد و عاملیت عوامل انسانی و غیرانسانی در مفهوم جدید زبان تشدید کرد و سبب شد پنی کوک به پیروی از بریدوتی (۲۰۱۸) اعلام کند که مردم باید حضور همه‌جانبه گونه‌های جانوری و هوشمندی آنان را بدون مداخله انسان درک کنند، چراکه برخی از جانوران مانند پرندگان قادر به یادگیری و خودپرورشی یکدیگر هستند و برخی دیگر مانند شامپانزه‌ها، میمون‌ها و بابون‌ها دارای تفکر انتزاعی‌اند و برخی گونه‌های جانوری مانند دلفین‌ها، نهنگ‌ها، لاک‌پشت‌ها و شیرهای دریایی قادر به حل مشکلات هستند و می‌توانند بدون دخالت انسان در زمان‌های دشوار به شیوه‌های مشارکتی با دیگرگونه‌ها در تعامل باشند (پنی کوک، آلستر، ۲۰۱۸: ۵۷) بدین ترتیب ارتباط حیوانات با یکدیگر بخشی از رویکرد وسیع‌تری به زبان در زبان‌شناسی و فراتر از زبان است و «این مستلزم نسخه گسترده‌تری از زبان است که قبلاً در زبان‌شناسی کاربردی وجود نداشته و حیوانات را کنش‌گر (عامل) در نظر نمی‌گرفت. بنابراین، نیاز به احیای یک رویکرد روش‌شناختی و روشمند در «پسازبان‌شناسی کاربردی» وجود دارد».

پنی کوک نه تنها نقش جانوران، بلکه اشیا را در تغییر مفهوم زبان در پسازبان، تعیین کننده دانست و افزود: چنانکه در کتاب بیولوژی بدن ما آمده، زندگی روزمره ما با ماده احاطه شده و ما از ماده تشکیل شده‌ایم (کول و فراست، ۲۰۱۰). به همین دلیل لازم است ارزش بیشتری برای وضعیت مادیت قائل شویم. فریتاس و گورنیکا (۲۰۱۵) بر اساس آرای باراد (۲۰۰۳، ۲۰۰۷)، کول و فراست (۲۰۱۰) و فراندو (۲۰۱۳) عقیده دارند که نباید ماده را ثابت، پایدار، منفعل، بی‌اثر و یا حتی تغییرناپذیر تلقی کرد، بلکه باید به‌عنوان چیزی فعال‌تر که دارای اختیار و نمایندگی توزیع شده است، به آن نگرست. ماده باید در مجموعه‌ها و در یک تجمع گونه‌ای که مشارکت جهانی، سیاره‌ای / کیهانی دارد، درک و بازبینی شود. این موجودیت‌ها دارای ارزش‌های مادی و معنوی هستند؛ یعنی ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی خاصی که به محدوده و محیط ما وابسته‌اند و با ایده‌ها و احساسات ما کنشمندی درگیرانه دارند. به همین دلیل ما نیز نسبت به آنها و خودمان به روش‌های خاصی درون‌کنشی داریم و بر مبنای آن عمل و رفتار می‌کنیم (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۶، ۳۲۲)

بنابراین، پسازبان به بازتعریف و بازنمایی مجدد زبان به‌مثابه تجسم‌دادگی، تعبیه‌شدگی، توزیع و تکثیرشدگی در میان مردم، اماکن، زمان‌ها و فضاها نه به تحلیلی معین بلکه به قابلیت تعیین بخشی آن کمک شایانی می‌کند (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۵۳). این امر به معنای در نظر گرفتن سهم معانی ساخته‌شده از انواع زبانها، گویش‌ها، حرکات و میمیک‌هاست که از طریق حواس شنیداری، دیداری، بویایی، لامسه و احساسات و عواطف گونه‌های مختلف انسانی و غیرانسانی صورت می‌گیرد و از طریق گفت‌وگوها، شیوه‌های بدن‌مندی زبانی، آداب پوشش و وضعیت بدنی، ذهنی/زبانی و ... منتقل می‌شود و همگی به نمایش منابع فضایی مرتبط می‌شود که شامل موقعیت مکانی و عملکردهای خاص در مواجهه مستقیم و غیرمستقیم با عناصر چیدمان است، مثلاً مبلمان، لوازم‌خانگی، ابزار و وسایل، دکوراسیون و ترکیبات رنگ و اشیا، مواد و ... که معمولاً چندوجهی هستند و توجه کاربر به کلیت محیطی را برجستگی می‌بخشند، چنانکه انسان و زبان، متقابلاً بخشی از این مجموعه‌ها محسوب می‌شوند، درحالی که در دیدگاه اومانستی محوریت به انسان و زبان و ذهن داده می‌شد. حال اگر زبان را بخشی از «مجموعه» قلمداد کنیم، ارتباط درگیرانه و کنشمند به‌ویژه رویه تعامل‌انگیز نقش آفرینان غیرانسانی، مفهوم تعامل زبانی را دچار

تغییر محسوسی خواهد کرد. رویکرد پسازبان که فراروی از حیطه و محدودهٔ زبان انسان محور تلقی می‌شود، در زبان‌شناسی کاربردی نوین سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. پرسش اساسی نظریهٔ پسازبان آن است که فکر و زبان در کجا رخ می‌دهد و جهان ظاهری و بیرونی در آن چه نقشی دارد. در این رویکردها یک رابطهٔ متقابل پویا بین مواد مختلف وجود دارد و جهان مادی از این منظر دائماً درگیر شناخت ماست. در همین راستا کلارک (۲۰۰۸: ۲۱۸-۲۱۹) ادعا می‌کند که بر اساس این دیدگاه ذهن انسان «به‌عنوان رابط موگد بین مغز، بدن و جهان اجتماعی و مادی ظاهر می‌شود». به باور پنی کوک (۲۰۱۸: ۱۵) با افزایش «مراکز شناختی»، شناخت توزیع‌شده بر شیوه‌هایی تمرکز می‌کند که تفکر ما محیط اطرافمان را دربرمی‌گیرد، زیرا هنگامی که به سیستم‌های دیگر مانند تلفن همراه، رایانه و ربات‌های هوشمند و دیگر دستگاه‌ها و سیستم‌های هوشمند متصل می‌شویم، به روش‌هایی تفکر خود را برون‌سپاری^۱ و برون‌افکنی^۲ می‌کنیم و این ابزارها بخشی از حافظه و مراکز شناختی ما را تشکیل می‌دهند (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۴۸).

این امر ما را از بحث زبان در مغز، به جامعه یا زمینه‌ای فراتر می‌برد و ما را ترغیب می‌کند که در مورد زبان به لحاظ فضایی و مادی به جایگزینی دیگر بیندیشیم. در نتیجه، زبان در این رویکرد غیرمتمرکز می‌شود و از موقعیت برتر و مقتدر فعلی خود رها می‌گردد. ما نمی‌خواهیم فقط به این حقیقت برسیم که زبان بشر بسیار پیچیده و چندوجهی است، بلکه باید آن را منطقه‌بندی یا «استانی‌سازی» کنیم، محدودیت‌های آن را بشناسیم، ساختار آن را بپذیریم و آن را به دنیایی از ارتباطات بینابینی با انسان و غیرانسان و گونه‌های درگیر دیگر پیوند دهیم و با این رویکرد نوین، دانش و ادراک خود را فراتر از زبان به سوی جانوران، طبیعت، اشیا و مواد پیش بریم تا نوعی درون‌کنشی و تأثیر متقابل بین زبان و انسان و اشیا و موجودات و غیریت‌های دیگر به وجود آید، چراکه روابط گفتمانی و مادی در فضا درهم تنیده شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت از طرفی، زبان و شناخت از هم و دیگر گونه‌ها و گونه‌های هم‌نوع تجسم یافته، نهادینه شده و به اجرا درآمده و از سوی دیگر، نسبت به روابط بینادهنی سوسور، گسترش یافته، توزیع و

1 cognition points

2 outsourcing

3 projection

موقعیت‌یابی شده است. بعلاوه از این منظر هیچ‌چیز در داخل و خارج وجود ندارد و زبان و نمایندگی‌اش در افراد، زمان-فضا-مکانیت و آثار هنری و ابزارآلات توزیع می‌شود و نقشی فعال در جهان ایفا می‌کند (دریدا، ۱۹۹۳: ۱۲۶).

دلیل گسترش مفهوم زبان در پسازبان فقط توانایی ارتباط با موجودات دیگر برای حفظ اکوسیستم و سیاره زمین نیست، بلکه ابعاد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پسازبان در فلسفه نقش مهمی در تغییر نگاه زبان‌شناسان پسانسان‌گرا نسبت به زبان دارد.

داروینیسیم که تغییر و تکامل را نسبت به ثبات برگزید، تأثیر عمیقی بر دو نحلّه تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی در فلسفه گذاشت و با پیدایش ایده آلیسم آلمانی و فلسفه تحلیلی منجر به ظهور پدیدارشناسی هوسرل گشت. هایدگر و گادامر پدیدارشناسان اگزیستانسیال آلمانی با بسط آرای هوسرل، هرمنوتیک را بنیان نهادند. هایدگر که پدر پسااومانیسم نام گرفته به مخالفت صریح با اومانیسم پرداخت. «پسا اومانیسم بر خلاف تصور عوامانه فقط دفاع از حقوق حیوانات نیست» (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۴۷)، بلکه نقدی فلسفی، عمیق و کاربردی بر اومانیسم برای جبران خسارت‌های انسان‌محوری افراطی است. به باور پسانسان‌گرایان تفکر اومانیستی فرایندهای فلسفی و سیاست‌گذاری امر فرهنگی را حول محور «بودگی و بودن» نهادینه کرده، درحالی‌که پست‌اومانیسم از نظر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی برفرایندهای «دیگرگونگی و تبدیل شدن» تمرکز دارد و بر امر «شدن» و نه صرفاً «بودن» در قلمرو، سرزمین و کیهان تأکید می‌کند (هایدگر، ۱۹۶۲؛ گادامر، ۱۹۷۵).

مفهوم دگرگونی و «شدن» با تشریح اصطلاح «متن» ژاک دریدا روشن‌تر می‌شود. متن تنها به معنای نوشتار یا گفتار نیست. از دید دریدا همه چیز متن است، (دریدا، ۱۹۸۸: ۲)، از جمله زبان و جهان و سوژه و ابژه و درون و برون و فرهنگ و طبیعت؛ متنی که می‌خواهد با شکستن تقابل‌های دوگانه فوق از ساختاریت خود عبور کند و به مثابه تاریخ ظاهر شود. تاریخ به نوبه خود به مثابه هستی انسانی پدیدار می‌گردد و گذشته و حال و آینده تاریخی را در ساحتی از اکنون هویدا می‌سازد (دریدا، ۱۹۸۱: ۶۳). بدین سان متن از متن نوشتاری آغاز می‌شود و آن‌قدر تعمیم می‌یابد تا به مثابه کلّ هستی، پدیدار می‌شود. متن به منزله تمامیت هستی ردّپای تلقّی هایدگر از هستی را دنبال می‌کند. البته دریدا بین متن به معنای متعارف و متن به مثابه هستی،

نسبتی دیالکتیکی برقرار می‌کند؛ بدان معنا که متن امری نامتناهی و نامتعیّن است که در قالب متن‌های متکثر، تعین و تناهی پیدا می‌کند. متن دریدایی مانند روح مطلق هگلی، خود را در جنبشی همیشگی در امور سوژکتیو و ابژکتیو تعین می‌بخشد و در یک چرخش درونی به شناسایی خویش می‌پردازد» (دریدا، ۱۹۸۱: ۶۳). متن در یک وضعیّت ساکن نمی‌ماند و با یک نوع ارزش‌گذاری هویت پیدا نمی‌کند. همواره در معرض تغییر و تحوّل است و همانند امر واقع در صیوروتی مدام در انتظار پذیرش صورتی تازه از قبل صورتی دیگر است. دریدا ساختاری را که مدام وضع صلب و ایستای خود را به پرسش می‌گیرد، متن می‌نامد. متن امری رو به آینده است که از هر چیز انقیادآور فارغ می‌شود. از این منظر ذهن و عین و زبان که ارتباط‌دهنده آن دو هستند، متون ناتمامی محسوب می‌شوند که به مثابه تاریخ در تحوّل دائمی و خود-متأملانه تعین پیدا می‌کنند (خبّازی کناری، ۱۴۰۱: ۲۵۲-۲۵۵).

از این روست که پسازبان‌شناسان پست‌اومانیسیت هستند هایدگر و مکان-فضا-زمان باختینی را در گفت‌وگومندی و دیالوژن باختین بسط و گسترش می‌دهند و با بهره‌گیری از طیف وسیعی از اندیشه‌ها انسان پسین و واپسین را در دو جهت در یک درهم‌تنیدگی و یکپارچه‌سازی ارگانیکی بررسی می‌کنند.

۳-۱. انتقاداتی به نظام ساخت‌گرای زبان‌شناسی سوسور از نظر پسازبان‌شناسان

به باور دریدا، مفهوم فعلی زبان بر محوریت اومانیسیم و تقابل‌های دوگانه و روابط دال و مدلولی نظام سوسوری بنا شده است. زبان‌شناسی سوسوری با طرّاحی یک مدل معرفت‌شناسی مشترک، از ویژگی‌های فردی، بومی و زیستی غفلت می‌ورزد و با تبعیض ایدئولوژیک و سیاسی بین تقابل‌های دوگانه یکی از دو قطب را بر دیگری ترجیح می‌دهد و این امر سبب بی‌توجهی به گروه‌های فرودست انسانی مانند ناتوانان جسمی و معلولان ذهنی می‌گردد. در رویکرد پسااومانیسیتی به این گروه‌ها دیگر انسانی^۱ و عوامل غیرانسانی^۲ می‌گویند. منظور از اصطلاح

۱. دیگرانسانی. Non-human factors. وقتی رویکرد اومانیسیتی به انسان در جوامع تاریخی بررسی می‌شود، متوجه می‌شویم که دانش تاریخی در اختیار بخش خاصی بوده و افراد مشخصی توان بهره‌وری از آن را داشته‌اند. برای مثال حاشیه‌نشینان ناتوانان زبانی و معلولان توان بهره‌وری از زبان مسلط جامعه را نداشته‌اند. این دیدگاه ناشی از باور به تقابل دوگانه فرادست و فرودست در جوامع اومانیسیتی است که مفاهیمی چون کم‌انگاشتگی و حقارت زبانی را به دنبال دارد.

۲. غیر انسانی: در نظر گرفتن سهم موجودات غیر انسانی در امر زبان و ارتباط، جانوران، گیاهان، اشیا و مواد علاوه بر اینکه دارای زبان هستند، بر درک زبانی ما مؤثرند

دیگرانسانی، حاشیه‌نشینان، ناتوانان زبانی و معلولان هستند که توان بهره‌وری از زبان مسلط جامعه را نداشته‌اند و اصطلاح غیر انسانی در نظر گرفتن سهم موجودات غیرانسانی در امر زبان و ارتباط است، مانند جانوران، گیاهان، اشیا و مواد. این گروه‌ها علاوه بر اینکه خود دارای زبان هستند، بر درک زبانی ما مؤثرند. دریدا مرکزیت و محوریت انسانی را به پرسش می‌گیرد؛ محوریتی که بن‌مایه سلطه فکری و فلسفی ایدئولوژی‌ها و نظریات غربی و اروپایی شده و باور به استثنایی بودن انسان‌ها را در مشرق‌زمین به‌عنوان بازیگران اصلی و هوشمند کره خاکی پرورش داده است (دریدا، ۱۹۹۳: ۹۶ و ۹۸؛ پنی کوک، ۲۰۱۸: ۳۴). برایانت (۲۰۱۱: ۳۴) در این باره می‌گوید: هدف این است که موقعیت انسان‌ها را به‌عنوان پادشاه هستی متزلزل کنیم و آنها را درگیر منابع و درگیر موجودات دیگر بدانیم.

دیدگاه دریدا فهم تازه‌ای نسبت به پست‌اومانیسم و اکولوژی زبانی-فضایی در اختیار ما می‌گذارد. بنابراین واضح است که ملاحظه ابعاد اکولوژیک زبان‌ها در «تجمیع» منابع تولیدات انسانی و غیرانسانی و گردش دانش و اطلاعات بیولوژیکی و پزشکی و ... شانس بیشتری برای تغییر دیدگاه‌های متداول در مورد زبان و ذهن و بدن در اختیار ما قرار می‌دهد. برای فهم بیشتر مکتب پسازبان لازم است انتقادات وارد بر نظام زبان‌شناسی سوسوری مطرح و اصلاحات اعمال‌شده بر آن در مکتب پسازبان تشریح و تبیین شود؛ اصلاحاتی که ریشه در گرایش‌های پست‌اومانیستی، پسااستعماری، باختینی، ماتریالیستی و داروینیستی آن دارد. در پژوهش حاضر جنبه‌های زبان‌شناختی و فرهنگی پسازبان برجستگی یافته و به نحوه ارتباط درهم‌تنیده دیدگاه‌های فوق اشاره شده است. در بخش اول تحلیل، به تأثیر پسازبان در تغییر ساختارهای زبانی و در بخش دوم به تغییر ساختار فرهنگی اشاره می‌شود.

۳-۲. تغییر ساختار زبان سوسوری در پسازبان

۳-۲-۱. تغییر دوگانه زبان و ذهن

پنی کوک (۲۰۱۸) بر این باور است موجودات اعم از حیوانات، گیاهان و اشیا نقش بسیار مهمی در ارتباط با انسان دارند و ما نسبت به آنها و حتی خودمان عمل و رفتار می‌کنیم، طبق نظر باراد (۲۰۰۷: ۱۳۶)، اندیشه پسانسان‌گرایی مفهوم «بدن» را به‌عنوان مرز تقسیم‌بندی طبیعی و الحاقی بین «درون و بیرون» برمی‌گزیند و متعاقب آن، مرز سوسوری بین جهان درون (ذهن) و بیرون (جهان خارج) رفته‌رفته محو می‌شود و نگرش ما نسبت به زبان و دیدگاه‌های ناشی از آن که بر

محوریت اومانیسم بنا شده بود، تغییر می کند.

۳-۲-۲. زبان به مثابه امری بینادذهنی

فابریسیو (۲۰۱۷) بر این باور است که بررسی زبان به عنوان ابزار واسطه بین حوزه‌های درونی (فردی) و بیرونی (جهان خارج) دیدگاهی تقلیل گرایانه است که به ایده‌هایی مانند انتقال-دریافت و تدوین و توصیف خطی بها می دهد. رمزگشایی معانی در زبان‌شناسی مدرن حساسیت تاریخی و زمینه‌ای آن را به عنوان عملیاتی که منحصرأ ذهنی، شناختی، بی بدن و جدا از جامعه است، ایجاد می کند. این نوع ایدئولوژی زبانی را باید ساختارزدایی و بازیابی کرد (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۶۰-۲۶۳).

زبان‌شناسی کاربردی پسانسان‌گرا از این جهت از زبان‌شناسی ساختاری انتقاد می کند که نقطه شروع مدار گفتار و گفتمان را مغز انسان می داند و می پندارد فقط مغزها هستند که پیام‌ها و معانی را در گفت و گوها پیش می برند و ایده‌ها را رمزگذاری و رمزگشایی می کنند. این مدل که بر اساس فرض درک متقابل بنا شده برای درک ارتباط درهم تنیده و یکپارچه پسازبان کافی نیست (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۶۳-۲۶۵).

به گفته پنی کوک مدل نظام مند سوسوری نوعی گفت و گومندی بین «سرهای انسانی» فرض می شود، به نحوی که بدن و حواس و عواطف انسان‌ها در آن مغفول واقع می شود. علاوه بر آن دیدگاه سوسوری زمینه ارتباطات، آشفتگی، ارتباط در معنا، درگیری، ابهام و عدم قطعیت در ارتباط و نقش بدن را نادیده می گیرد و مهم تر آنکه از دیگر ابعاد مؤثر در ارتباط مانند مکان-زمان، مصنوعات، لباس، احساسات، بوها، روابط اجتماعی، جنسیت، نژاد، کلاس، سطح دانش و آگاهی و ژست‌های فرازبانی غفلت می ورزد (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۶۶).

۳-۲-۳. زبان به منزله وجه تمایز انسان از سایر موجودات

پنی کوک به ایده زبان به عنوان وجه تمایز انسان از سایر موجودات انتقاد وارد می کند، زیرا پیامد چنین دیدگاهی تمرکز بر ویژگی‌های زبان انسانی است که متمایز به نظر می رسند و از تصویر بزرگ تر ژست‌ها و فرازبان‌ها، ارتباطات غیر کلامی یا سایر حوزه‌های حسی و عاطفی و ادراکی غافل می شوند. برای اصلاح دیدگاه سوسوری نیاز به پژوهش‌های جهش یافته تکاملی در

ارتباطات انسانی هست که فراتر از نظریه تبدیل ژست به زبان باشد. پنی کوک (۲۰۱۸) باور دارد که تصور چامسکی از زبان (۲۰۰۰) که متأثر از دوگانه‌انگاری دکارتی مبتنی بر جدایی ذهن از بدن است، نوعی گسست بین انسان و دیگر موجودات به وجود می‌آورد، زیرا چامسکی معتقد است که فقط انسان‌ها زبان دارند و کیفیت ذهن و زبان انسان با حیوانات متفاوت است، در حالی که از دید دانشمندان تکاملی، تکامل زبانی بخشی از یک پروسه تدریجی اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر محسوب می‌شود. اکتشافات جدیدتر درباره تکامل انسان نشان می‌دهد که او ابتدا از علائم و نشانه‌های مشترک با حیوانات استفاده می‌کرده و به تدریج به ترکیب ایده‌ها دست یافته است (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۳۴-۲۳۷).

در این بخش از تحلیل به تأثیر پسازبان در تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی زبان سوسوری می‌پردازیم.

۳-۲-۴- خاستگاه ذهنی و انسان‌محور زبان سوسوری

به باور کاناگاراچه (۲۰۱۷)، متفکر پسانسانی و پسااستعماری «تعصب داشتن به ذهن نسبت به ماده» زبان را به‌عنوان یک سیستم جهانی و اجتماعی که «درونی، رسمی و دستوری» شده و در مغز قرار دارد، ترویج می‌کند. چنین درکی از زبان و ارتباط آن با جهان بسیار محدود است، زیرا روابط درهم‌پیچیده زبان را با جهان مادی نادیده می‌گیرد (پنی کوک، ۲۰۱۵: ۲۸۷ و ۲۹۰). کاناگاراچه (۲۰۱۷) عقیده دارد که تصور سوسور از زبان تمایل به «همگنی، میانه‌روی و کنترل» دارد. ساختارهای گزاره‌ای و عبارتی از آشفتگی زندگی مادی و عملکرد اجتماعی انتزاع می‌شوند. ساختارگرایی که بر پایه سازه‌های زبانی و ساختار فرهنگی بنا شده، نوعی انتظام و کنترل را بر زندگی مادی و فیزیکی تحمیل می‌کند (پنی کوک، ۲۰۱۵: ۲۶۵ و ۲۶۷-۲۶۸).

دلوز و گویاتاری اسپواک (۲۰۰۵) تأکید می‌کنند که زبان‌شناسی چامسکی نمی‌تواند زبان را در زمینه مادی از نقطه پدیداری آن قرار دهد. پنی کوک هم بر این باور است که مفروضات اومانستی غربی در مورد اندیشه و زبان که منجر به استعمار می‌شود، مورد انتقاد پساومانیست‌هاست (پنی کوک، ۲۰۱۶: ۲۸۷ و ۲۹۰).

۳-۳. تغییر ساختارهای فرهنگی در پسازبان

توهی (۲۰۱۸) می‌گوید: پساومانیس‌ها پیرو چارچوب‌های اخیر پذیرفته‌شده به استفاده از نظریات اجتماعی فرهنگی پسا ساختارگرایانه در تجزیه و تحلیل زبان و هویت در زبان‌شناسی کاربردی می‌پردازند و دوگانه‌هایی مانند خود/جامعه را رد می‌کنند، چراکه می‌دانند افراد همیشه در روابط اجتماعی قدرت با دیگران قرار دارند. با وجود این «میشل فوکو» بر تعاملات انسانی تمرکز می‌کند. پسانسان‌گرایی از درک انسان‌ها به عنوان مرکز خودداری می‌کند و آن‌ها را به عنوان بخشی از مجموعه‌ها در نظر می‌گیرد و می‌خواهد همه موجودات (انسانی و غیرانسانی و مادی) را در یک سطح تصور کند. پسانسان‌گرایی و پسازبان مستقیماً نظریه‌های سنتی زبان را به چالش می‌کشند. پسانسان‌گرایی می‌تواند به ما کمک کند که انسان‌ها را نه جدا از بقیه جهان، بلکه به مثابه بخشی از آن و به منزله ترکیبی درهم‌تنیده و پیوند یافته درک کنیم (پنی کوک، ۲۰۱۸ : ۲۳۹-۲۴۰ و ۲۴۲).

۳-۳-۱. زبان به مثابه پروژه استعماری

زبان در زبان‌شناسی همگانی سوسور، موضوعی برای بررسی، طبقه‌بندی، نام‌گذاری، تجزیه و تحلیل و توصیف است که در محدوده یک نظام و سیستم گفتمانی مسلط و مقتدر و معین تعریف می‌شود (فوکو، ۲۰۰۰). فوکو^۱ نظام زبانی سوسور را گفتمانی و زمان‌گرا نمی‌داند، بلکه آن را وابسته به شرایط تاریخی و سیاسی-اجتماعی خاصی می‌داند، چراکه زبان‌ها توسط نظام‌های ایدئولوژیک و قدرت‌مدار ابداع شده‌اند. قوانین و قواعد مشترک در زبان‌ها و روش‌های خاص در کشان منجر به ایجاد ایده‌های برتری و فروتری می‌شود که در واقع بسط و بازتولید ایدئولوژی و به نحوی مشروعیت دادن به آن است.

پس لازم است در مورد چگونگی درک زبان در طول زمان، به ویژه از زمان سوسور (۲۰۱۱) به بعد تأمل شود، زیرا استفاده از یک مدل معرفت‌شناسی مشترک، مبتنی بر دیدگاه جهانی بدون توجه به تاریخ، برای همه پدیده‌ها تنظیم شده است که در آن ویژگی‌های منحصر به فرد بومی‌گرایی و زیست‌اکولوژیکی نادیده گرفته شده و این امر ناشی از موضع‌گیری تقلیل‌گرایانه استعماری است که در عصر پسااستعماری و پسازبانی نیاز به تغییر دارد. موضع استعماری زبانی سنتی و مدرن نه تنها تنوع شیوه‌های زبانی را نادیده می‌گیرد، بلکه آن را کمرنگ می‌کند.

کتاب *دوره زبان‌شناسی عمومی* سوسور که زبان‌شناسی را به‌عنوان یک علم مدرن پایه‌گذاری کرده است، فرضیاتی را در مورد زبان بیان می‌کند که در نظامی مقتدر بر ملاحظات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مؤثر بوده است (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۳۴۷).

پرتس (۲۰۱۲) و ناسیمنتو (۲۰۱۷) باوری مشابه با فوکو و پنی کوک دارند و تأکید می‌کنند که زبان‌شناسی مدرن درک خاصی از زبان و ارتباطات، به وجود آورده که در آن مفاهیم و شیوه‌های زبان به بخشی از پروژه استعماری تبدیل شده‌اند و اشکال جدیدی از محرومیت را ایجاد کرده‌اند که نه تنها فرایندها و عناصر مربوط به زبان، بلکه افراد درگیر با آنها را نیز شامل می‌شود. به گفته برایدوتی (۲۰۱۶)، کوک (۲۰۱۶) و پاپادوپولوس (۲۰۱۸)، پسانسایت و پسازبایت، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فرهنگ مسلط استعماری را استعمارزدایی می‌کند. پاتل (۲۰۱۶) و موریس (۲۰۱۶) بر این باورند که اگرچه دو پروژه استعمارزدایی و پسانسایت، فضایی برای مفهوم عدالت می‌گسترانند، عملکردی فراتر از این دارند که منجر به درک نوظهوری از نحوه درگیر شدن ما با ماده، فضا-زمان-مکان و موجودات غیرانسانی مانند اشیا، جانوران، سیاره و کیهان می‌شود (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۶۳-۲۶۴).

۳-۴. فرایندهای موجود در پسازبان

۳-۴-۱. چندصدایی^۱

مفهوم دیالوژن باختینی از زبان، زبانی ناهمگن و ناپایدار تلقی می‌شود که دارای عاملیت انسانی است و انسان، خالق و درواقع کاربر زبانی است که در چندصدایی فرهنگ نهادینه شده اما در طبیعت طنین‌انداز است. این مفهوم از زبان بر محوریت اومانیسیم و تقابل‌های دوگانه و نیز بر پایه نظام دال و مدلول سوسوری بنا شده است، اما امکان گسترش آن در رویکرد پساومانستی وجود دارد. انسان محوری اومانیسیم در خدمت چیرگی انسان بر سایر موجودات برآمده و با صنعتی شدن جامعه بشری از توجه یکسان به تمام اقشار جامعه اعم از ناتوانان و توانمندان ذهنی و زبانی و همچنین توجه به غیرانسان یعنی حیوان و نبات و اشیا و سیاره و کیهان غافل مانده است.

نظریه پسانسان‌گرایی نظریه گفت‌وگومندی و دیالوژی باختینی را فراخوانده و در تلفیق با نظریه‌های متکثر پسااستعماری، ماتریالیستی و اکولوژیکی فهم تازه‌ای از زبان به دست داده است.

1. polyphonie

2. dialogism

پسانسان‌گرایی با تنظیم مجموعه‌های زبانی و تجمع‌نماینده‌گی‌های توزیع‌شده در فضا، زمان و مکان با دیگر انسان‌ها و غیرانسانی و روابط غیرانسانی، اصطلاح پسازبان را وضع می‌کند. فهم ما از زبان و پسازبان، که با مرکززدایی از اختیارات انسانی و ترکیب اجزا و اشکال توزیع‌شده در عاملیت غیرانسانی در گفت‌وگومندی دیدگاه‌های باختینی صورت گرفته، تصوّر پیشین ما را نسبت به زبان پیچیده‌تر می‌کند و رویکرد تازه‌ای به روی زبان‌شناسی کاربردی نوین می‌گشاید که سه اصطلاح کلیدی هم‌پیوندی^۱، درون‌کنشی^۲ و درهم‌تنیدگی در آن با منطق مکالمه باختین گره خورده است. در ادامه نحوه نفوذ و تأثیر گفت‌وگومندی باختین در پسازبان تشریح می‌شود. مکالمه از دیدگاه باختین، مفهوم وسیع‌تری نسبت به برداشت عام آن دارد و از مکالمه نشانه‌بانشانه‌های دیگر و بافت، مکالمه نویسنده با شنونده از طریق متن، هم‌زیستی زبان دوره‌ها و اعصار گوناگون (زبان دیروز با امروز) و حتی هم‌زیستی تناقضات اجتماعی-ایدئولوژیک حال و گذشته را دربر می‌گیرد (باختین، ۱۳۸۷: ۳۸۱). در زبان ادبی تنوع هدف‌مند گفتار به تنوع زبان تبدیل می‌شود و حاصل آن مکالمه بین زبان‌هاست. باختین رمان را دارای بالاترین قابلیت گفت‌وگومندی و شعر را فاقد آن می‌داند. او شعر را دارای زبانی واحد، تک‌گو، یکپارچه و واجد کلیتی هدف‌مند و فاقد تنوع گفتاری و زبانی می‌داند (باختین، ۱۳۸۷: ۳۸۵-۳۸۸)، ولی شاعران پسازبان با تبدیل فرم شعری به نوعی فرم روایی جدید از امکانات زبان‌شناختی رمان باختین، برای شعر پسازبانی استفاده می‌کنند؛ فرمی که روایت‌های متکثر پست‌مدرنیستی را به یاد می‌آورد، اما هدف آن تجمع بین گونه‌های انسانی و غیرانسانی است. منطق مکالمه باختین بر اساس اصطلاح کلیدی «چندصدایی» بنا شده و هنگامی برقرار می‌شود که همه صداهای موجود در متن از حقوق مساوی برخوردار باشند. پسازبان از این اصطلاح برای انعکاس صداهای انسان و غیر انسان در فضاهای مختلف استفاده می‌کند. از دید باختین لازمه شکل‌گیری معنا «دگر مفهومی»^۳ است؛ و آن استفاده یک فرد از زبان‌های مختلف در موقعیت‌های گوناگونی است که از نظام‌های ایدئولوژیک متفاوتی سرچشمه می‌گیرند و فرد هنگامی از این تنوع آگاهی می‌یابد که از میان گونه‌های مختلف زبانی دست به انتخاب بزند. باختین زمان و مکان و شرایط

1. associate

۲. Praxeology. (کنش‌شناسی؛ تبعات صوری این امر واقع که انسان از وسایل استفاده می‌کند تا به غایت‌های مدنظرش برسد).

3. heteroglossia

اجتماعی را مبنای تعیین معنای متن می‌داند و این امر نشانه تسلط یافت بر متن است. دگر مفهومی نوعی مفهوم‌پردازی است که در آن گفتمان‌های مرکز‌گرا و مرکز‌گریز یا مقتدر و معمولی با هم تلاقی می‌کنند (همان: ۵۴۰) و در جشن‌های عمومی مانند کارناوال رخ می‌دهد. در این گونه متن‌ها نوعی گفت‌وگوی غیررسمی، مردمی و عامیانه بین طبقات فرودست و فرادست شکل می‌گیرد که در آن طرفین گفت‌وگو بدون سوژه مسلط و حاکم به تعامل می‌پردازند و فرصتی برای بروز گفتمان آزاد به وجود می‌آید که در آن استفاده از انواع طنز، آبرونی و پارودی (نقیضه‌پردازی) مجاز می‌شود (نامور، ۱۳۸۷: ۴۰۷)، زیرا در این گونه سطح‌بندی و سانسورهای اجتماعی به حداقل و در مقابل گفت‌وگو به حداکثر می‌رسد و زمینه پیدایش چندصدایی فراهم می‌گردد» (نامور، ۱۳۸۷: ۴۰۷). در گفت‌وگومندی، ارتباطی بین زبان ادبی و غیرادبی فراهم می‌شود که بازنماینده گفتمانی اجتماعی است. همچنین گفت‌وگومندی باعث ارتباط یک گونه ادبی با دیگر گونه‌ها می‌شود؛ مانند ارتباط شعر با گونه‌های دیگر (باختین، ۱۳۸۷: ۳۸۱). صداهای متفاوت با یکدیگر و مستقل از هم در شعر ظاهر می‌شوند. به همین دلیل جهان‌های شخصیت‌ها، با وجود لحن‌های مختلف طبقه‌بندی شده، بر روی یک سطح مشابه در همزیستی و تعامل قرار می‌گیرند. «هر سخن بر سخن دیگر واقع می‌شود و خطاب به آن ادا می‌گردد» (تودوروف، به نقل از نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۴۰۶).

شعر سازبان هم دگر مفهومی را تقویت می‌کند. زیرا در عین اینکه تنوع گفتار اجتماعی و زبانی (گوشی) را حفظ می‌کند، نظامی هنری می‌سازد که مضمون هدف‌مند نویسنده را «سازآرایی» می‌کند، چرا که فهرستی از صداهای متفاوت را با یکدیگر و مستقل از هم ارائه می‌دهد. به همین دلیل جهان‌های شخصیت‌ها، با وجود لحن‌های مختلف، بر روی یک سطح مشابه در همزیستی و تعامل قرار گرفته به «همسانی» می‌رسند. سازآرایی بدان معناست که یک پیام افقی واحد می‌تواند به روش‌های مختلف در جهت عمودی هماهنگ شود. امکانات سازآرایی هر تکه از متن را بی‌نهایت تغییرپذیر می‌کند (باختین، ۱۳۸۷: ۵۴۳).

در جاهایی از متن ذهنیت و گفتار نویسنده و شخصیت با هم گره می‌خورد و «دو صدایی» به

-
1. carnivalesque
 2. orchestration
 3. homogeneity

وجود می‌آید که به آن «ساختار پیوندی» می‌گویند. در برخی از گونه‌های ساختار پیوندی، نویسنده لحن خود را به صدای شخصیت می‌افزاید.

انسان و اشیاء و موجودات و غیرت‌های دیگر در کنار کلمات و زبان‌ها به‌عنوان عناصری در نظر گرفته می‌شوند که در مجموعه‌ها نهادینه می‌شوند که در آنها موجودیت‌ها و نیروها بر هم اثر می‌گذارند و تحت تأثیر هم واقع می‌شوند. به این تأثیرات متقابل درون‌کنشی می‌گویند (جهانپولاد، ۱۴۰۰: ۱۴۱ و ۱۴۳)

مکتب پسازبان و پسانسانی گونه‌های انسانی و غیر انسانی و حتی بیناسیاره‌ای را در هم تنیده و دارای ارتباط و درون‌کنش‌مندی متقابل می‌داند. باراد درون‌کنشی را چنین توضیح می‌دهد؛ وقتی زبان در معرض محرک‌های درونی و بیرونی قرار می‌گیرد، سعی می‌کند آن را خنثی کند. درون‌کنشی همان واکنش خنثی‌کننده، انتخاب و تثبیت بعضی عکس‌العمل‌هاست که در مسیر تکامل رخ می‌دهد (جهانپولاد، ۱۴۰۱)

پنی کوک «عقیده دارد که «درون‌کنشی» باراد (۲۰۱۸: ۳۴) با ایده‌ی زبان به‌عنوان تعامل در تضاد است. بنابراین از آن ساختارزدایی مجدد می‌کند، چراکه باراد می‌گوید اگر دو چیز با هم در تعامل باشند، هر کدام موجودات جداگانه‌ای با ویژگی‌های فردی مخصوص به خود هستند، اما اگر در رابطه «درون‌کنشی» و ارتباط‌کنشی در ارتباط با هم عمل کنند، در مسیر تبدیل شدن به چیز دیگر و یا غیرت دیگری به در هم تنیدگی و هم‌پیوندی می‌رسند که به‌صورت جابه‌جایی ارگانیکی و هم‌پیوندی متصل به هم و یا به تعبیر پنی کوک از طریق در هم‌تنیدگی «نماینده‌گی‌های توزیع‌شده» در سیاره و کیهان است که ارتباط‌گونگی شکل می‌یابد.

۳-۴-۲. هم‌پیوندی

هم‌پیوندی پنی کوک در پسازبان مشابه ساختار پیوندی باختمین است، با این تفاوت که در آن دو سوی تعامل در هنگام تبدیل شدن به غیرت دیگری به نوعی در هم‌تنیدگی می‌رسند که اصطلاحاً به آن هم‌پیوندی می‌گویند، چراکه مؤلف من دیگری را به‌عنوان سوژه و نه به‌عنوان یک اژه پذیرفته است. اما چون مقاصد نویسنده از قلمروهایی عبور می‌کنند که تحت تسلط دیگرانند، دچار انکسار می‌شوند. مقاصد موجودات غیرانسانی هم با عبور از مغز انسان دچار انحراف

می‌شود و در نتیجه چندمعنایی به وجود می‌آید (پنی کوک و اوتسوجی، ۲۰۱۶: ۹۱-۸۸)

یکی از اهداف مکتب‌پسازبان ارتباط با همهٔ انسان‌ها و تمام گونه‌های زبانی است، از این رو زبان‌ها و سبک‌های مختلف به متن‌های پسازبانی راه یافته است؛ در واقع پسازبان گفت‌وگومندی باختینی را در زبان توسعه می‌دهد. تصور باختینی از دیالوژی مبتنی بر کثرت دیدگاه‌ها در بین گفت‌وگوکنندگان است که در تعاملات اجتماعی روزمره مشارکت دارند و به نوعی گفت‌وگو در فرهنگ‌ها را تأکید می‌کند. هدف از کاربرد منطق مکالمه باختین در پسازبان، استفاده از ظرفیت‌های آن برای گسترش دیدگاه پسانسان‌گرایانه است که در آن اشیا، حیوانات، اکولوژی سیاره‌ای و بیناسیاره‌ای نقش مهمی ایفا می‌کنند و رابطه متقابل و دیالوگ‌وار آن‌ها را با کاربران خود بازتعریف می‌کنند. برای مثال یک جفت لوز و یا عینک مطالعه در تماس با اشیا، متن و پیرامون طبیعت با کاربران خود صحبت نمی‌کنند، اما می‌توانند نحوهٔ درک کاربران از زبان و جهان و فضای سیاره‌ای و نیز درک ما را نسبت به دیگرانسانی و غیرانسانی تغییر و گسترش دهند (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۶۵-۶۷).

پنی کوک متفکر زبان‌شناس می‌افزاید: «تعامل به شیوه‌های نوظهور برای ترتیب، سازمان‌دهی و تطبیق منابع ایجاد می‌شود که عناصر را برای اهداف خاصی در کنار هم می‌آورد» در نتیجه از این منظر زبان را می‌توان به مثابه فرایندی توصیف کرد که در آن نوعی درگیری دائم با همهٔ نمایندگی‌های غیرانسانی اکولوژی زبانی (پسازبانیت) صورت می‌گیرد که بینشی اساسی برای گسترش نظری-عملی ارتباط و تعامل درون کنشی و درهم تنیدگی و تجمع فراهم می‌کند و این دقیقاً همان انتظاری است که رویکرد نوین پسااومانستی از زبان‌شناسی کاربردی دارد، چراکه زبان‌شناسی کاربردی گذشته بر محوریت اومانیسیم و سود و زیان انسانی بنا شده بود و با مرگ انسان و مرگ سوژه/شیء انسانی از دیدگاه فوکو درک تازه‌تری از زبان فضایی و سیاره‌ای و کیهانی می‌یابیم، از دیدگاه پسااومانستی پنی کوک روشی ترسیم می‌شود که عوامل متکثر و (بالفعل) منابع زبانی، چندوجهی، مکانی و نشانه‌شناسی را در جنبش‌های احتمالی، ناهمگن و گریز از مرکزیت انسانی گرد هم می‌آوریم تا در زندگی روزمره همواره در معانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی آن به یک وارونه‌پنداری برسیم و مجدداً آن را مورد کنکاش در درون کنش‌مندی قرار دهیم. می‌توان گفت تمام مجموعه‌های انسانی، حیوانی، گیاهی و اشیا در

«تجمیع» به طور همزمان با مجموعه‌های مختلف به طور پویا عمل می‌کنند و زندگی را در معنای متصل به هم «هم پیوندی» ارتقا می‌دهند، این رویکرد عامل بودن انسان را در کاربرد و درک زبان و جهان تقلیل می‌دهد و حضور دیگری را در فعالیتی مستمر مشروعیت می‌بخشد (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۰۱).

به طور خلاصه لازم است مجدداً مجموعه‌ها از نظر فعال یا عدم فعال کردن پتانسیل بدن، گیاهان، ماشین آلات و اشیا که دانش بیناذهنی و بیناگونه‌ای را تولید می‌کنند، بازبینی شوند و در ایدئولوژی پسااومانیستی جایگزین اخلاق شوند. چنانکه نیچه در «بازآفرینی دوباره ارزش‌ها» چنین انگاشتی دارد. در واقع پسازبان به گونه‌ای با نظرگاه بازآفرینی دوباره ارزش‌های نیچه همسوست و باور دارد موضوعات اشیا در سیستم آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها، نظام فراگیری علوم، نظام پژوهش، تصویب اسناد و لوایح سیستمانه با این رویکرد پسازبانی باید مجدداً تنظیم شوند. دانش، اراده و اختیارات انسانی با هم ترکیب شده در هم مشترک هستند و نمی‌توان آن‌ها را فقط به موضوع دانش صرف نسبت داد، زیرا زیست انسان و بیولوژی‌اش که با سایر اشیا، موجودات، گیاهان، طبیعت و ماده به صورت درهم تنیده عمل می‌کند، سیستم‌های سلسله مراتبی را دائماً به هم تبدیل می‌کند (جهانپولاد، ۱۴۰۲/۳/۱۰).

پنی کوک و متفکران پسااومانیستی و فیلسوفان مرتبط همچون دلوز، گایاتاری اسپیواک، فوکو و دریدا قصد دارند تا آگاهی ما انسان‌ها را از رابطه یکپارچه، درهم تنیده و پیوسته و وابسته همه موجودات زنده تقویت کنند و آن را با قلمرو، سرزمین و کیهان در یک همگرایی و همسویی مسالمت‌آمیز به پیوندی بومی و عشایری برسانند.

۳-۴-۳. درهم تنیدگی

از نظر تاریخی تمرکز بر انسان و دو حسّ بینایی و شنوایی و اولویت دادن به آنها باعث غفلت از تأثیر حواس دیگر و ساکنان دیگر زمین شده و این دیدگاه نیازمند تغییر نگاه تاریخی و فیزیکی نسبت به مسئله انسان محوری و نقش حواس پنجگانه در زبان است. لازم است که نقش همه حواس و دیگر عوامل مؤثر انسانی و غیرانسانی را مجدداً ارزیابی کنیم و به فهم تازه‌ای برسیم که ناشی از ارتباطی همسو و درهم تنیده و پیوندی اکولوژیستی-ماتریالیستی-پسا اومانیستی

است؛ ارتباطی که از رابطه پراکسیولوژیک، درون‌کنش‌مندان و هم‌پیوندی عمیق سرچشمه می‌گیرد (پنی کوک و اوتسوجی، ۲۰۱۵: ۱۲۱-۱۲۲) و مستلزم توانایی نگاه کردن به خود از بیرون است و این توانایی خود مستلزم ورود به موقعیت دیگری است (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۸۳-۲۸۴).

۳-۵. معناسازی توزیع‌شده

پنی کوک ادعا می‌کند که ما همچنین باید توانایی معناسازی و ارزش‌گذاری را به صورت توزیع‌شده درک کنیم، زیرا شبکه‌های اجتماعی، اشیا و بدن به روش‌های پیچیده‌ای با هم کار می‌کنند؛ او با در نظر گرفتن جهت‌گیری فضایی فضا را فعال، موگد و عامل می‌داند. در نتیجه انسان‌ها، دیگرانسانی، موجودات و اشیا غیرانسانی و فضا یکدیگر را در مجموعه‌هایی شکل می‌دهند و باهم ترکیب می‌شوند. به همین ترتیب زبان به عنوان بخشی از مجموعه وسیع‌تری از امکانات نشانه‌شناختی و پسانشانه‌شناختی تصور می‌شود و در سطح وسیع‌تر جهان مادی به مثابه «اراده نیرویافته» در این فرآیند درک می‌شود (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۱۴۱ و ۱۴۲؛ ۲۶۳)

از دید پنی کوک در مطالعات پسانسانی و پسازبانی همه چیز از لحاظ مادی و گفتمانی درهم‌تنیده می‌شود. از زبان به عنوان بخشی از مجموعه‌ها استفاده می‌شود. گردهم‌آمدن مردم، زبان‌ها، مکان‌ها و اشیا و جانوران در مجموعه‌ها در امکانات نشانه‌شناختی پسازبانی و پسانسانی تجسم می‌یابد و فرآوری می‌شود و ایده همسویی و هماهنگی جایگزین درک متقابل سوسوری می‌شود و نتیجه عملی آن تلاش گویندگان برای انعطاف بیشتر در گفتار است. بنابراین در این گفتمان تلاش می‌شود تا گفت‌وگومندی باختینی به نوعی از تفاهم برسد که همیشه در آن درگیری، مذاکره، تعدیل و نافهمی فجیعی رخ می‌دهد (کارول، ۱۴۰۰: ۱۰-۱۱).

در رویکردهای متن‌گرایانه زبان یک رابطه بینالادھانی است که از قبل بین طرفین گفت‌وگو توافقی برای درک و دریافت صورت گرفته و ما به دنبال خواندن شکاف بین متن‌ها هستیم تا انسجام برقرار کنیم، درحالی که وقتی از مادیت زبان صحبت می‌کنیم، هماهنگی بینابندی در زمان واقعی ما را قادر می‌سازد تا به نتایجی دست یابیم که به ناهماهنگی، متناقض‌نمایی، تنوع و ناپایداری تمایل دارد (پنی کوک، ۲۰۱۸: ۲۹۲).

برای مثال، در تفسیر یک شعر و حتی یک عبارت و حتی تفهیم یک کلمه، ژست‌ها و اشاره فرازبانی همیشه امکان عدم درک و دریافت معانی تازه‌تر وجود دارد. در واقع در

زبان‌شناسی کاربردی نوین پسااومانیستی و رویکرد پسازبانی و اکولوژی زبان-فضا-مکان به‌طور مستمر خود را بازآفرینی می‌کند، امروزه حتی از نظر بصری و تصویری نیز تکنولوژی زبان با این رویکرد پسااومانیستی سازگاری بیشتری دارد و آینده درهم‌تنیده و یکپارچه‌ساز انسان و غیرانسان را در یک اجماع جهانی زیر چتر گسترده پسازبان با ارتباطات هموند و همپیوندساز درگیر می‌کند؛ اجماعی که ماتریالیستی-پسااستعماری-پسااومانیستی است (کارول، ۱۴۰۰: ۱۰-۱۱).

درهم‌تنیدگی مجموعه‌ها به لحاظ ماهیت وجودی «ابزارگونگی زبان» که همانا در سیستم‌های سوسوری و چامسکی و مدل‌های تابع آن، زمانی اتفاق می‌افتد که رویکرد تغییر در این پارادایم‌های ساختمان‌داری زبانی در تفکر و اندیشه پسااومانیستی و پسازبانی خود را بروز می‌دهد، درست آنجا که این سیستم‌ها سعی در بازتولید استعمار انسانی بر دیگر گونه‌ها و حتی غیرانسان دارد، منظور از غیر و دیگر انسانی، در وجه غالب تاریخی دوگانه انسان برتر و فروتر است که بهره‌وری از زبان و دانش و مهارت سخنوری او را در جایگاه خدایگان-بندگی، ارباب-رعیتی و شبان-رمگی نگه داشته شده و سبب تبعیض بین دو قطب برتر و فروتر انسان‌ها گشته است. با مطالعه تاریخی پدیداری زبان در نزد اقوام می‌توان این سویه استعمارزدگی را به‌طور گسترده حتی تا امروز نیز در جوامع کمتر متمدنی و در بافت عشیره‌ای و بومی مطالعه کرد.

۱. لازم به ذکر است که در نظریه جسچرال‌اتین بونو دو کاندیک در اصل زبان، تفکری است که از رست‌های دستی تکامل پیدا کرده است. این نظریه که در قرن هیجدهم ارائه شده بود، در سال ۱۹۷۳، در مباحثه نشانه‌شناسی و زبان توسط انسان‌شناس مشهور معاصر گروندن. و. هیوز بازآفرینی شد،

۴. نتیجه‌گیری

رویکرد پسااومانیستی پسازبان ناشی از ارتباطی همسو، درهم‌تنیده و پیوندی اکولوژیستی-ماتریالیستی-پسااومانیستی بین موجودات و اشیای زمین و سیارات دیگر و کیهان است. در این دیدگاه نقش همه حواس و دیگر عوامل مؤثر انسانی و غیرانسانی مجدداً ارزیابی می‌شود. حواس

1. gestural Theory
2. Étienne Bonnot de Condillac
3. G. W. Hughes

پنجگانه و بدن در ارتباط زبانی نقش پیدا می‌کنند و عامل بودن انسان در کاربرد و درک زبان و جهان تقلیل می‌یابد. اشیا در فرایند درک زبانی، عاملیت پیدا می‌کنند و حضور دیگری در فعالیت مستمر مشروعیت بخشیده می‌شود. بنابراین در پاسخ به اولین سؤال پژوهش که پسازبان چه تغییری در مفهوم سوسوری زبان ایجاد کرده است، باید گفت دیدگاه پسانسانگرایانه پسازبان، مرز سوسوری بین جهان درون (ذهن) و بیرون (جهان خارج) را رفته‌رفته محو می‌کند و مفهوم «بدن» را به‌عنوان مرز تقسیم‌بندی بین «درون و بیرون» برمی‌گزیند. رمزگشایی معانی در زبان‌شناسی مدرن حساسیت تاریخی و زمینه‌ای آن را به‌عنوان عملیاتی که منحصرأ ذهنی، شناختی، بی‌بدن و جدا از جامعه است، ایجاد می‌کند. در پسازبان نقطه شروع و ادامه ارتباط زبانی، مغز و ارتباط متقابل نیست، بلکه رابطه بین‌الادھانی اشخاص به ارتباط بیناگونه‌ای در جهان ارتقا می‌یابد که در آن علاوه بر زبان انسان، دیگر ابعاد مؤثر در ارتباط مانند مکان-زمان، مصنوعات، لباس، احساسات، بوها، روابط اجتماعی، جنسیت، نژاد، کلاس، سطح دانش و آگاهی و ژست‌های فرازبانی و موجودات زنده دیگر در نظر گرفته می‌شود. مدل نظام‌مند سوسوری که نوعی گفت‌وگومندی بین «سرهای انسانی» فرض می‌شود، از بدن و حواس و عواطف انسان‌ها غفلت می‌کند و مهم‌تر اینکه چون زبان‌شناسی سوسور تمایل به «همگنی، میانه‌روی و کنترل» دارد، زمینه ارتباطات، آشفتگی، ارتباط در معنا، درگیری، ابهام و عدم قطعیت در ارتباط و نقش بدن را نادیده می‌گیرد. اشکال دیگر زبان‌شناسی سوسوری آن است که فقط انسان را دارای زبان می‌داند، در حالی که تیره میمون‌ها و دلفین‌ها از توانایی‌های ارتباطی زبان و حل مسئله برخوردارند و فرض بر آن است که زبان انسانی از تکامل ژست‌های حیوانی به وجود آمده باشد. در پاسخ به سؤال دوم مبتنی بر پیامدهایی که تغییر مفهوم زبان در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی داشته است، باید گفت نظام سوسوری وابسته به شرایط تاریخی و نظام‌های قدرت‌مدار بوده و با ایجاد ایده‌های برتری و فروتری موجود در تقابل‌های دوگانه، به بسط و بازتولید ایدئولوژی می‌پردازد. درحالی که در نظام گفت‌مانی پسازبان، دوگانه تقابلی خود و دیگری، به پیوستار خود-دیگری تبدیل می‌شود. انسان مرکزیت خود را از دست می‌دهد و به‌عنوان بخشی از مجموعه در نظر گرفته می‌شود. دیدگاه فرهنگی فوق با دو فرایند چندصدایی و منطق مکالمه باختینی دو اثر عمده بر پسازبان دارد: مرکززدایی از عاملیت زبانی و ذهنی انسان

در فرایند ارتباط و متعاقب آن، گفت‌وگومندی با همهٔ انسان‌ها و طبیعت و کیهان که هم باعث مرکز‌گریزی آنان می‌شود و هم به ارتباط بهتر انسان با سایر موجودات کمک می‌کند و با توسعهٔ مفهوم دیالوژن باختینی نوعی درون‌کنشی بین گونه‌ها برقرار می‌کند که از طریق هم‌پیوندی گونه‌های مختلف انسان و جانوری و گیاهی رخ می‌دهد. حواس پنجگانهٔ انسان به صورتی همسو و درهم‌تنیده با هم و دیگر عوامل انسانی و غیرانسانی در ارتباط زبانی نقش پیدا می‌کنند؛ ارتباطی که از رابطهٔ پراکسیولوژیک، درون‌کنش‌مندان و هم‌پیوندی عمیق سرچشمه می‌گیرد. گردهم‌آمدن مردم، زبان‌ها، مکان‌ها و اشیا و جانوران در مجموعه‌ای از امکانات نشانه‌شناختی پسازبانی و پسانسانی تجسم می‌یابد و فرآوری می‌شود و ایدهٔ همسویی و هماهنگی جایگزین درک متقابل سوسوری می‌شود و نتیجهٔ عملی آن تلاش گویندگان برای انعطاف بیشتر در گفتار است. بنابراین در این گفتمان تلاش می‌شود تا گفت‌وگومندی باختینی به نوعی از تفاهم برسد که همیشه در آن درگیری، مذاکره، تعدیل و نافهمی فجیعی رخ می‌دهد. این نوع ارتباط زبانی به وسیلهٔ گفت‌وگومندی و برقراری رابطهٔ چندصدایی بین انسان و موجودات دیگر کرهٔ زمین باعث می‌شود تا چندمعنایی و ابهام و هماهنگی با طبیعت به اوج برسد.

منابع فارسی

- باختین، میخائیل (۱۳۸۷). *تحلیل مکالمه‌ای جستارهایی دربارهٔ رمان*. ترجمهٔ رؤیا پورآذر. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- پنی کوک، آلستر و اوتسوجی، امی (در دست چاپ). *چند زبانی، سیالیت زبانی، زبان شهری*. ترجمهٔ سعید جهانپولاد، انتشارات نقش و نگار.
- پنی کوک، آلستر (در دست چاپ). *زبان شناسی کاربردی پسا انسان‌گرا*. ترجمهٔ سعید جهانپولاد، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- جهانپولاد، سعید (۱۴۰۲). «روش‌های نظری شعر خلاق و فرامتنی بحثی نظری و میان‌رشته‌ای». *خبرگزاری یکتا*، صفحه هنر و اندیشه.
- جهانپولاد، سعید (۱۴۰۲). «محدودیت زبان من، محدودیت جهان من است». *خبرگزاری یکتا*، صفحه فرهنگ و هنر.
- جهانپولاد، سعید (۱۴۰۰). «گفتگو دربارهٔ شعر پسا زبان پسااومانیستی و مبانی نظری». *توتم*، شماره

۹: ۷-۹

- جهانپولاد، سعید (۱۴۰۰). «ورود به عصر تازه، شعرهای پسازبانی و هایپر تکست های ایرانی». دو هفته نامه آوای پراو. شماره ۱۷.
- خبّازی کناری، مهدی (۱۴۰۱). «متن شناسی: ساختارزدایی دریدا از شناخت شناسی». *نقد و نظریه ادبی*، ۷(۲): ۲۴۳-۲۵۸.
- کارول. ژوزف (۱۴۰۰). زیست تکاملی متنی داروینیست‌های ادبی جنبش نظریه زیست‌شناسی متنی. ترجمه سعید جهانپولاد. *ادبی-هنری مستقل توتم*. ش ۸: ۱۰-۱۱
- لطیف نژاد رودسری، فرّخ (۱۴۰۰). نقش پست‌اومانیسم در شکل‌گیری شعر پسازبان و تغییر نقش انسان در طبیعت، خبرگزاری یکتا.
- لطیف نژاد رودسری، فرّخ (۱۴۰۱). نقش تنوع زبانی در حفظ هویت فرهنگی، خبرگزاری یکتا.
- لطیف نژاد رودسری، فرّخ (۱۴۰۲). چرا زبان در پسازبان بازتعریف می‌شود، خبرگزاری یکتا.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷). «باختین، گفتگومندی و چندصدایی مطالعه پیشاینامتیت باختینی». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۵۷: ۴۱۴-۳۹۷.
- والاس، مارک؛ جهانپولاد، سعید (۲۰۲۱) «همگرایی شاعران زبانی و پسازبانی در دوره جدید، تفاوت شعر زبان و پسازبان، پرسش و پاسخ گفتگوها» در *هم‌هوایی*. آمریکای شمالی: انتشارات جاده ابریشم

References

- Barad, K. (2007). *Meeting the Universe Halfway: Quantum Physics and the Entanglement of Matter and Meaning*. Durham, N.C.: Duke University Press.
- Barad, K. (2012). "Intra-actions" (interview of Karen Barad by Adam Kleinmann). <https://www.academia.edu/1857617/>.
- Derrida, J. (1981). *Dissemination*. Translated by Barbara Johnson, Chicago: University of Chicago Press.
- Derrida, J. (1982). *Positions*. Translated by A. Bass. London: Athlon.
- Derrida, J. (1993). *Sauf le nom (Post-Scriptum)*, [SLN] Texte de 116 pages
- Gadamer, H. G. (1975). *Truth and Method*. Translation Revised by Joel Weinsheimer and Donald G Marshall, Continuum. London. New York.
- Heidegger, M. (1962) *Being and Time*. Translated by John Macquarie &

Edward Robinson, Blackwell Publishers.

Pennycook, A. (2018). *Post-humanist applied linguistics* New York: Routledge.

Pennycook, A. (2015). *A linguística aplicada dos anos 90: em defesa de uma abordagem crítica*. In: Signorini, I.; Cavalcanti, M. (Orgs.) *Linguística aplicada e transdisciplinaridade* Campinas: Mercado de Letras.

Pennycook, A. Otsuji, E. (2015). *Metrolingualism Language in the city*. London, New York: Routledge.

Foucault, M. (2000). *Linguistics and Social Sciences. Theory, Culture and Society*, 40(1): in sega journals.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی